

«اندیشه راه سوم راه نجات ایران»

ملت بزرگ ایران

در ایام بزرگداشت کورش بزرگ ضمن ادای احترام به پیشگاه آن یگانه تاریخ، اندیشه به روز شده (راه سوم- راه نجات ایران) را همراه با جستاری کوتاه از راه اول و راه دوم به استحضار شما ملت بزرگ می رسانم

راه اول

انقلاب مشروطه ۱۲۸۵

راه اول با اهداف < مجلس ملی و عدالتخانه یا قانون و قضا در پرتو دموکراسی > در انقلاب مشروطه آغاز شد اما به دلایلی از جمله: آشفتگی امور، ناامنی، قحطی، اعمال نفوذ متشرعینی مانند شیخ فضل الله نوری که «مردم سالاری» را مصداق ارتداد و مستوجب قتل میدانست و موفق به تعبیه هیات طراز در مجلس ملی شد و آن را از خاصیت انداخت، دخالت بیگانگان و... اهداف اولیه آن به حاشیه رانده شد و برقراری امنیت جای آن را گرفت و زمینه ظهور رضاشاه را فراهم نمود. ... این روند بیش از هفت دهه ادامه یافت و علی رغم تلاش شخصیت‌هایی همچون «دکتر محمد مصدق» پیشوای نهضت ملی و توفیق ایشان در ملی کردن صنعت نفت و تلاشهای دموکراسی و آزادی خواهانه آن بزرگمرد که متأسفانه با کودتای نظامی در هماهنگی با روحانیت، دربار و قدرت های خارجی درهم شکست و با وجود نوسازی نسبی در عرصه سازندگی و علیرغم توسعه اقتصادی نسبی کشور، توسعه سیاسی مسیری معکوس را پیمود تا آنجا که به استقرار سیستم تک حزبی در قالب حزب رستاخیز منجر شد و بحرانی بزرگ را به وجود آورد به نحوی که اقدامات جزئی و بسیار دیرنگام اصلاحی، توان عبور از آن را نیافت و عملاً منجر به انسداد راه اصلاح گردید و در نتیجه شما ملت بزرگ به ناچار جهت رسیدن به استقلال، آزادی، دموکراسی و عدالت دست به انقلاب ۱۳۵۷ زدید تا راه دوم را تجربه کنید.

راه دوم

انقلاب اسلامی ۱۳۵۷

راه دوم که قرار بود در پرتو انقلاب ۱۳۵۷ به استقرار آزادی، استقلال، دموکراسی و عدالت بینجامد، در طی بیش از چهار دهه نه تنها به اهداف خود نائل نشد بلکه کشور را به قهقرا برد و آقای خمینی که وعده تاسیس رژیم دموکراتیک تر از نوع غربی آن را داده بود پس از استحکام قدرت خود، نظامی مبتنی بر ولایت فقیه و پس از ده سال ولایت مطلقه فقیه را تحمیل نمود و ناگهان فیلش یاد هندوستان کرد و از همان اوایل پیروزی در راستای هوسهای ایدئولوژیک، صدور انقلاب، تأیید اشغال سفارت آمریکا در تهران و به گروگان گرفتن دیپلماتها و پرسنل آن، محو اسرائیل از صفحه روزگار و نیز تشویق ارتش و مردم عراق به قیام علیه حاکم آن شد، که در تضاد آشکار با فرهنگ و منش ایرانیان و در مخالفت با حقوق بین الملل و مناسبات «موازنه قدرت در دوران جنگ سرد» می بود که سیاست جهانی را به چالش کشید و زمینه تحمیل جنگ ویرانگر هشت ساله عراق علیه ایران را فراهم کرد و بسیاری از جوانان و هموطنان ما را به شهادت، جانبازی و اسارت رساند و زیر ساختهای کشور را ویران کرد و تعداد زیادی را هم با فتوا به کام مرگ فرستاد. بعد از آقای خمینی آقای علی خامنه ای که به اقرار خود فاقد شرایط قانونی و شرعی بود و به «بی لیاقتی خود اذعان داشت و میگفت برای جامعه اسلامی که حتی تصور رهبری او را بکند، باید خون گریست، در یک «اقدام متقلبانه»، «غیر قانونی و خائنانه» توسط رفسنجانی و خبرگان منصب رهبری را غصب نمود و طی ۳۴ سال مدیریت او از طریق سیاستهای کلی تعیین و اجرا شده تحت نظر او ملک و ملت در سرراشویی سقوط قرار گرفته به نحوی که جامعه فرهنگ آفرین و تمدن ساز ایران گرفتار «فروپاشی «اخلاقی» شده کثرت معتادین به انواع مواد روانگردان خطرناک، فساد و فحشا، غارت بیت المال، ظلم و ستم بیاندازه سقوط فاجعه بار ارزش پول ملی به کمتر از ۱/۸۰۰۰، سلطه روحانیون و سپاه پاسداران بر مقدرات کشور، سقوط اقتصاد، فقر و فاقه ملت به گونه ای که طبق

اعتراف دولت و مجلس حدود ۶۰ میلیون ایرانی یعنی ۳/۴ مردم محتاج بسته حمایتی معیشتی ناچیز شرم آور» می باشند، استبداد و خودکامگی به اوج رسیده و سرکوب معترضین و نقض سیستماتیک حقوق بشر» به رویدادهای معمول بدل شده، انزوای ایران در جهان همراه با تحریمهای کمرشکن اقتصادی، موجودیت کشور و بقای ملت را به مخاطره انداخته است و در عین فقر فراگیر ملت، اموال کشور خرج دفاع از دیکتاتورهایمانند «بشار اسد یا صرف گروههایی مانند حزب الله لبنان یا «حماس» فلسطین می شود. شما ملت غارت شده که تجربه انقلاب مشروطه و انقلاب ۱۳۵۷ را داشتید که علی رغم هزینه های سنگین و اهداف روشن از اهداف و مسیر اولیه منحرف و نه تنها به نتیجه نرسیدید بلکه سیر قهقرایی را مشاهده نمودید، آخرین تلاشهای خود را از طریق «اصلاحات به عمل آوردید تا حتی المقدور با «اصلاحات» گرچه اندک از انقلابی دیگر اجتناب نمایید و در این راستا از سال ۱۳۷۶ دست به کار اصلاحات» شدید و در یک دوره آن، همزمان دو قوه مقننه و مجریه در اختیار اصلاح طلبان قرار گرفت، اما «ساختار متصلب» رژیم و انعطاف ناپذیری حاکم غاصب و مستبد سرسختانه در مقابل آن قرار گرفت.

اعتراضات دانشجویی ۱۳۷۸ را به خاک و خون کشید و در سال ۱۳۸۸ مبادرت به کودتای انتخاباتی» کرد و معترضین را بی رحمانه سرکوب نمود.

شما ملت جان به لب رسیده با تجربه شکست خورده اصلاحات، در اعتراضات دی ماه ۱۳۹۶ با فریاد رسای اصلاح، طلب اصولگرا دیگه تمومه ماجرا مهر باطل بر پروژه اصلاح طلبی زدید و دو جناحی که طی ۴ دهه حکومت میکنند را نامشروع اعلام نمودید. آن اعتراضات نیز بی رحمانه به خاک و خون کشیده شدند. مجددا در آبان ماه ۱۳۹۸ و به دنبال افزایش غیر قانونی سه برابری قیمت بنزین اعتراضات فراگیر شما که ۲۸ استان کشور را در نوردید جهانیان را شگفت زده کرد این بار نیز با بی رحمانه ترین و شدیدترین وضع معترضین به خاک و خون کشیده شدند. ذکر این نکته ضروری است که سران سه قوه که مبادرت به افزایش سه برابری بهای بنزین کردند مطلقا اختیار و صلاحیت اتخاذ چنین تصمیمی را نداشتند، زیرا در قانون اساسی اصولا چنین نهادی مرکب از سران سه قوه پیش بینی نشده تا بتوانند چنین تصمیماتی بگیرند. نکته قابل توجه دیگر اینکه اعتراضات گسترده دی ماه ۱۳۹۶ و آبان ماه ۱۳۹۸ «بدون هیچگونه رهبری» و به صورت کاملا خودجوش» و خودانگیخته بود و شاید مهمترین علت ناکامی و عدم موفقیت آنها هم «فقدان رهبری» اعتراضات بود از آنجا که تلاش این است که «اندیشه» راه -سوم راه نجات ایران از چهارچوب علمی برخوردار باشد علاوه بر ارائه جستاری کوتاه از راه اول و راه دوم که بدان پرداخته شد طرح دو پرسش را ضرور دانستیم.

الف: آیا هنوز جمهوری اسلامی قابل اصلاح است یا نه؟

ب: اگر جمهوری اسلامی قابل اصلاح نیست، قابل تحمل است؟

پاسخ سوال اول را شما ملت بزرگ از دی ماه ۱۳۹۶ با فریاد رسای اصلاح طلب، اصولگرا دیگه تمومه ماجرا به روشنی دادید و مهر باطل بر دو جریان سیاسی که طی ۴۰ سال حکومت را قبضه کرده اند زدید و پاسخ سوال دوم به روشنی روز منفی است. زیرا چگونه میتوان از ملتی که افتخار جهانی آفرینش فرهنگ و تمدن را دارد و همواره «هویت ملی او بر تارک این تمدن و فرهنگ میدرخشیده، انتظار داشت که شاهد غارت هویت ملی خود باشد و غارتگر را تحمل کند؟ چگونه ممکن است رژیمی را تحمل کرد که ملک و ملت را به خاطر هوسهای ایدئولوژیک به لبه پرتگاه برده و سه چهارم ملت را محتاج بسته معیشتی حمایتی خفت بار کرده است؟ چگونه میتوان انتظار تحمل رژیمی را داشت که هستی ملت را به باد فنا داده؟ و چگونه میتوان انتظار تحمل رژیمی را داشت که رسماً ملت فرهنگ آفرین و تمدن ساز ایران را «محجور» و محتاج ولی» میداند؟

و اما چگونه میتوان دو بن بست داخلی ناشی از همان پاسخ منفی شما به پرسش « آیا جمهوری اسلامی قابل اصلاح است؟» و نیز بن بست خارجی ناشی از انزوای بین المللی و تحریمهای کمرشکن مالی، اقتصادی و بی اعتباری گذرنامه ایرانی را نادیده گرفت؟ و چگونه میتوان انسداد راه «اصلاح» را نادیده گرفت و تماشاگر

«فروپاشی کشور شد»؟! همان طور که ملاحظه میفرمایید هر دو راه یعنی راه اول و راه دوم منجر به «انسداد راه اصلاحات» گردید به گونه ای که راه اول به حزب «رستاخیز و راه دوم به ولایت مطلقه فقیه» انجامید. چنین بود که جنبش راه سوم در بیانیه شماره ۳۳ تحت عنوان نامه سرگشاده ای دیگر به مهندس حجت الاسلام علی خامنه ای منتشره در تاریخ ۱۴۱۶/۰۱/۱۴۰۰ وقوع انقلاب ملی زن، زندگی، آزادی را پیش بینی نمود و گفت شرایط کشور مانند سال ۵۷ بلکه پاییز ۵۷ می باشد و انقلاب سکولار دموکراتیک و مبتنی بر اعلامیه جهانی حقوق بشر ملت ما نه تنها آغاز بلکه وارد مرحله اعتلای خود شده بر این انقلاب ملی و ارزش های آن تاکید می نماید و توان خود را برای پیروزی آن بکار خواهد گرفت اندیشه راه سوم - راه نجات ایران را به پیشگاه شما ملت بزرگ تقدیم و پیشنهاد مینماید که شامل سه مرحله می باشد:

مرحله گذار از جمهوری اسلامی)

1)

مرحله استقرار رژیم جدید مبتنی بر سکولاریسم اعلامیه جهانی حقوق بشر و دموکراسی و صد البته بازگشت به ۲- هویت ملی افتخار آفرین در راستای یک ملت یک کشور یک دولت و یک پرچم

(۲) مرحله استحکام نظام سکولار-دموکراتیک

اول مرحله گذار

از جمهوری اسلامی با توجه به «شکست تجربه اصلاح طلبی و عدم امکان تحمل نظام ولایت مطلقه فقیه چاره ای جز «گذار» از جمهوری اسلامی نیست

این مرحله باید شامل «اهداف»، «استراتژی» و «تاکتیک» باشد و با توجه به زمزمه های آسیب به تمامیت ارضی و، سرزمینی جلوگیری از خلاً، قدرت یک ضرورت قطعی می باشد

اهداف

هدف اصلی ترجیحاً انتقال قدرت از طریق مذاکره و مصالحه می باشد تا از کشتار هموطنان و تخریب زیر ساختهای کشور جلوگیری شود البته اگر این روش موثر واقع شود و انتقال قدرت با «مذاکره و مصالحه» صورت گیرد به همه مقامات اعم از سیاسی دولتی، نظامی انتظامی و اطلاعاتی «عفو مصونیت» اعطا خواهد شد مشروط به اینکه از هم اکنون علائم پذیرش را مشاهده کنیم. البته چنانچه انتقال قدرت از طریق مصالحه تحقق نیابد بناچار ملت ما قدرت مغضوب خود را از راه محاکمه پس خواهد گرفت کیفرخواست انهم با اعلام ۳۱ جرم علیه آقای علی خامنه ای تنظیم و منتشر گردید که در پیوست این منشور قابل دسترس می باشد

استراتژی اندیشه راه سوم- راه نجات ایران

استراتژی اندیشه راه سوم- راه نجات ایران برای تحقق هدف «انتقال قدرت» از طریق «مذاکره و مصالحه»، مبارزه «خشونت پرهیز می باشد و همینجا متذکر می گردد که اولاً دفاع مشروع خشونت تلقی نمی شود و ثانیاً در مبارزه خشونت پرهیز همه سازوکارهای یک جنگ از جمله وحدت فرماندهی، دیسیپلین و نظم، استراتژی، تاکتیک، لجستیک و غیره نیز باید رعایت شود.

در این استراتژی تلاش میشود از انحراف مبارزه به سمت خشونت جلوگیری به عمل آید تا از «مسیر مذاکره محور خارج نگردد و از تحمیل هزینه های انسانی و مادی دو طرف که در هر حال متعلق به کشور و ملت می باشد جلوگیری شود.

تاکتیک

«اندیشه راه سوم راه نجات ایران در مبارزه «خشونت پرهیز تاکتیک و برنامه عمل بر مبنای نافرمانی «مدنی» و «اعتصابات» تنظیم گردیده و معتقد است حکومت زمانی به طور جدی تن به مذاکره و مصالحه برای انتقال

قدرت» خواهد داد که موازنه قدرت به نفع مردم به وجود آید. در این خصوص نقش مردم» بسیار اساسی خواهد بود اگر مردم این روش تاکتیکی را قبول کنند و به فراخوان اندیشه راه سوم راه نجات ایران جامه عمل بپوشند، موازنه» «قدرت» به سرعت به نفع مردم تغییر خواهد کرد و حکومت چاره ای جز تمکین به خواست شما مردم نخواهد داشت. به ویژه با در نظر گرفتن ورشکستگی مالی و اقتصادی حکومت که نتیجه غارت بیت المال، تحریم های بین المللی و حاتم بخشیهای حکومت برای حمایت از دیکتاتورها و گروههای نیابتی و نیز هزینه های بی مورد و نامتناسب نظامی و برنامه هسته ای به نظر میرسد که نافرمانی مدنی و اعتصابات» موثرتر از دیگر روشهای مبارزاتی خواهد بود و هزینه های انسانی و مادی آن از دیگر روش ها کمتر خواهد بود البته در صورت عدم انتقال قدرت از طریق مصالحه گزینه محاکمه مورد عمل قرار خواهد گرفت.

دوم مرحله استقرار نظام آینده

«اندیشه راه سوم راه نجات ایران بر این باور است که « دولت موقت باید با برگزاری رفراندوم نمادین و کسب اجازه و اخذ مشروعیت از مردم برای مدت یک سال وظایف خود را ایفا و قدرت را به نهادهای انتخابی ملت واگذار کند تشکیل دولت موقت برای جلوگیری از خلأ قدرت و انتقام گیری و در نتیجه جلوگیری از ناامنی و هرج و مرج و حفظ امدادگی دفاعی کشور با عنایت به خطراتی که بویژه در مناطق شرقی و غربی قابل پیش بینی می باشد یک ضرورت غیر قابل انکار خواهد بود که مکلف به انجام امور زیر می باشد

۱- اداره کشور همانند یک دولت معمولی

۲-

برگزاری رفراندوم جهت تعیین شکل حکومت آینده (مانند جمهوری پادشاهی مشروطه و یا هر نظام دیگری

۳-

برگزاری انتخابات مجلس مؤسسان به منظور تدوین پیش نویس قانون اساسی

۴- برگزاری رفراندوم قانون اساسی تدوین شده توسط مجلس مؤسسان

۵- در صورت پذیرش قانون اساسی، تشکیل نهادهای حکومتی پیش بینی شده در آن

۶- تحویل قدرت به دولت منتخب غیر موقت ملت و خدا حافظی با قدرت

با توجه به تجربه های گذشته در فرایند تدوین قانون اساسی باید موارد زیر مورد توجه قرار گیرند (

۱ سکولاریسم یا دولت عرفی یعنی جدایی دین از نهاد حکومت، دولت و سیاست
اعلامیه جهانی حقوق بشر به عنوان بخش تفکیک ناپذیر قانون اساسی و نظام آینده و تأکید بر حقوق شهروندی
مساوی برای کلیه اتباع ایران و مردم سالاری یا دموکراسی با ارکان آن شامل :

الف) تشکیل دادگستری مستقل، عادل و سالم

ب آزادی احزاب انجمنها سندیکاها اتحادیه ها آزادی بیان و رسانه در اشکال مختلف

پ منتخب بودن مسئولین برای دوره معین و گردش دوره ای مقامات ،

داشتن دولت مسئول و پاسخگو

ت (پارلمان قوی برآمده از آرای سالم، عادلانه، آزاد و رقابتی و غیره

بازگشت به هویت ملی و فرهنگ مهر ایران زمین ،پیام صلح و دوستی به جهان بر پایه بنی آدم اعضای یک

بیکرند سیستم اقتصادی تولید محور ،عدالت محور و بازار بنیان، تأمین اجتماعی کامل، عدم تمرکز

احیای محیط زیست با به کارگیری جدیدترین تکنولوژی ها و ابزارهای ممکن منطبق بر شرایط اقلیمی کشور

مبارزه با تروریسم، افراط گرایی و نفرت پراکنی در کلیه اشکال آن
تفویض امور به متخصصین صرف نظر از تعلقات، مذهبی، عقیدتی - سیاسی، قومی، جنسیتی و رفع کلیه
تبعیض ها دولت تکنوکرات)

به رسمیت شناختن جایگاه زنان و تضمین تساوی حقوق آنها در کلیه شئون، حکومتی، دولتی، قضایی،
اجتماعی و غیره

عدم تعطیل سیستم اداری و بورکراسی کشور، اما آغاز پیگیر تغییرات بنیادین آن از ساختار استبدادی و
ارتش سالاری و اولیگارشیک، به ساختار دموکراتیک و شایسته سالار برای ایفای مسئولیتها در بخشهای
کشوری و لشکری از جمله

الف ادغام دو نیروی نظامی موجود سپاه پاسداران و ارتش در هم و تشکیل ارتش ملی مقتدر و مجهز به آخرین
ادوات دفاعی برای حراست و حفاظت مرزهای ایران زمین

ب تشکیل نیروی انتظامی ملی با مأموریت حفظ نظم و امنیت و اجرای قوانین و مقررات
پ تشکیل نهاد اطلاعات و امنیت ملی برای حفظ امنیت خارجی کشور

در راستای جبران عقب ماندگی پاره ای از مناطق کشور از جمله حاشیه مرزها باید برقراری سوبسیدهای
منطقی و تبعیض مثبت تا زمان رسیدن به توسعه» «متوازن در سطح کشور مورد اهتمام قرار بگیرد.
حمایت همه جانبه از اقشار آسیب پذیر مانند کارگران، معلمان، دانشجویان، زنان، هنرمندان، کشاورزان و...
که ستون پایه های واقعی حیات مادی و معنوی جامعه و نگهدارنده و تداوم بخش آن و متضمن رشد نسل اندر
نسل هر جامعه محسوب میشوند در صدر اندیشه راه سوم راه نجات ایران قرار دارد.

مبارزه بی امان با فسادهای نهادینه شده در اشکال گوناگون آن از جمله فساد مالی و غارت ثروتهای ملی، رانت
خواری، فساد اداری، فساد اخلاقی، دروغ.

توجه ویژه به دانش و دانش پژوهان و فناوریهای مدرن بشری برای اداره بهینه کشور، در این راستا مراکز
آموزشی و دانشگاهی از جمله استادها و دانشجویان در عین برخورداری از آزادی کامل در بیان نظرات خود
مسئولیت سنگینی در هدایت جامعه به سوی رشد همه جانبه و فراگیر به عهده خواهند داشت .
تنظیم رابطه مستقیم دانشگاهها و مراکز علمی با مراکز تولید و صنعت برای رشد دائم و بی وقفه و پیشگیری از
اتلاف وقت و نیرو

. سوم :

مرحله استحکام

مرحله سوم استحکام بخشیدن به نظام سکولار - دموکراتیک آینده است، تجربه نشان داده که چنانچه دولت
دموکراتیک استحکام نیابد دیکتاتوری بازتولید خواهد شد که با نمونه های بسیاری در تاریخ مواجه بوده ایم. لذا
تلاش جدی در تحکیم نظام دموکراتیک آینده از ضروریات است که عمدتاً از طریق تقویت نهادهای مدنی و
واکنش قطعی و سریع نسبت به اولین بدعت ها در امور عمومی و از آن مهمتر تاکید بر آموزش همبستگی و
مسئولیت ملی و ترویج مطالبه گری و حساسیت‌مداری و روحیه حمایتی - مشارکتی و فرهنگ سازی در این مرحله
مؤثر خواهد بود. مسأله مهم جلوگیری از خلأ قدرت است از طرفی چون نمی توان به قول و تعهد افراد اعتماد
کرد پیش بینی و تعبیه بنیان های مستحکم حقوقی از جمله توجه ویژه به مسأله تفکیک قوا و تقسیم و موازنه قدرت
و ساز و کارهای دموکراسی از جمله دادگستری، مستقل و سالم و پارلمان قوی و آزادی احزاب و انجمن ها و
اتحادیه ها و سندیکاها و آزادی بیان و رسانه به معنی واقعی می تواند از بازگشت دیکتاتوری و استبداد بطور
سیستماتیک جلوگیری کند.

اندیشه راه سوم راه نجات ایران معتقد است در دنیای امروز که در حال جهانی شدن می باشد اگر چه نقش
محلی و بومی اقتصاد، سیاست و فرهنگ کاسته شده ولی می توان از طریق رقابت و همکاری به تأمین منافع
ملی همت گماشت و به نقش منطقه ای و جهانی ایران به عنوان کشوری مقتدر و الهام بخش اهتمام ورزید

۱ در «اندیشه» راه سوم راه نجات ایران برآنیم که به منظور جلوگیری از خلأ قدرت و پیشگیری از ناامنی و هرج و مرج سیستم اداری و بورکراسی کشور موقتا به طور کامل حفظ شده، به استثنای ولایت فقیه، مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت، مجلس خبرگان، شورای عالی انقلاب فرهنگی، دادگاههای انقلاب، دادگاه و دادسرای ویژه روحانیت و کلیه مراجع قضایی و غیره که با حکم حکومتی تشکیل شده، دولت، شورای عالی امنیت ملی ضمناً قوانین کیفری جمهوری اسلامی ملغی وموقتا با قانون مجازات عمومی قبل از ۱۳۵۷ جایگزین می گردد اما کاستیهای آن برطرف تا با یک ساختار کاملاً دموکراتیک و کارآمد متحول گردد و از گسترش بی رویه و غیر منطقی آن به جد جلوگیری شود، از جمله

(الف) سازمان برنامه و بودجه با مسئولیت پذیری متخصصین ایران دوست ایفای نقش خواهد کرد دولت تکنوکرات

ب جهت تشکیل ارتش ملی با ساختار شایسته سالاری از طریق ادغام ارتش و سپاه پاسداران در یکدیگر ضروری مینماید که منحصرراً دو مأموریت خواهد داشت حفظ تمامیت ارضی و سرزمینی و استقلال کشور، بدیهی است که از «دخالت نیروهای مسلح ملی در حوزه های اقتصاد، سیاست، تجارت و فرهنگ» و هر موضوع خارج از وظایف ذاتی آن ها قاطعانه جلوگیری خواهد شد و نظامیان صرفاً بر شرف سربازی خود تکیه و انجام وظیفه خواهند کرد امری که منشأ کرامت ملی و احترام اجتماعی و مردمی برای آنها خواهد بود و صد البته که زندگی مادی خود و خانواده های آنها باید در سطح بهترین استانداردهای ممکن تأمین شود. (پ) نیروی انتظامی ملی نیز تشکیل میشود که ضمن منع ورود به زندگی خصوصی شهروندان طبق قانون مسئول برقراری نظم و امنیت خواهد بود.

ت (تشکیل نهاد ملی اطلاعات و امنیت که ضمن منع ورود به زندگی خصوصی شهروندان، نسبت به تأمین امنیت درون و برون مرزی اقدام خواهد کرد.

اصل حقوق ملی و منافع ملی مبتنی بر آن با رد معیارهای ایدئولوژیک و تأکید بر حقوق انسانی و منافع ملی که از عناصر متعدد از جمله تمامیت ارضی و سرزمینی، وحدت ملی، هویت ملی، استقلال، آزادی، امنیت داخلی و خارجی، اعتبار بین المللی، پشتیبانی ملی، رفاه، آموزش و پرورش، بهداشت، امید به زندگی، تأمین اجتماعی، حقوق شهروندی مساوی و... تشکیل می شود.

در «اندیشه» راه سوم راه نجات «ایران تنها خط قرمز حقوق ملی و منافع ملی مبتنی بر آن خواهد بود و بر این اساس سیاستهای کشور تعیین خواهد شد تا اعتبار و جایگاه بین المللی ایران از طریق پیام صلح و دوستی ناشی از فرهنگ مهرورزی و نفی هرگونه دشمنی و تنش زایی تنها از طریق رقابت و همکاری، آزادی و مردم سالاری توسعه، سیاسی، پلورالیزم، توسعه اقتصادی، توسعه فرهنگی و همکاری تأمین شود. .

در خصوص اقتصاد چاره کار در برقراری امنیت سرمایه گذاری از طریق انحلال محاکم انقلاب و اصل ۴۹، منع دخالت نیروهای نظامی، شبه نظامی، انتظامی و اطلاعاتی در اقتصاد، تجارت، سیاست، فرهنگ. تغییر سیاست خارجی وتصحیح برنامه اتمی، کاهش هزینه های غیر ضرورنظامی، منع هزینه های دفاع از دیکتاتورها و گروه های نیابتی، برقراری رابطه دوستانه با تمام دول جهان بر پایه احترام وحقوق و منافع متقابل، منع هزینه های عمومی در مورد حوزه های مذهبی، هیأتها و...تشویق سرمایه گذاریهای داخلی و خارجی در بخشهای متعدد از جمله توریسم و غیره استفاده از ظرفیتهای داخلی و منابع عظیم انسانی و طبیعی و به ویژه تغییر نگرش صادرات مواد خام که متعلق به نسلهای آینده نیز میباشد به صادرات فرآوری شده و تخصیص درآمدهای ناشی از آنها در پروژه های زیرساختی و همچنین سرمایه گذاری در تعمیر و بازسازی منابع فرسوده شده برای نسلهای آینده که مستلزم راهکارهای -سیاسی- تخصصی میباشد

۴. «اندیشه» راه سوم راه نجات ایران، ایران را متعلق به همه ایرانیان چه داخل و چه خارج از کشور می داند و از بازگشت ایرانیانی که به هر دلیل ترک میهن کرده اند با گرمی استقبال میکند و از هرگونه تسهیلات در این

باب دریغ نخواهد کرد.

۵. در «اندیشه راه سوم راه نجات ایران و تعهد آن به اعلامیه جهانی حقوق بشر مجازات اعدام و هر نوع مجازات بدنی و روحی لغو خواهد شد.

۶- در «اندیشه راه سوم راه نجات ایران که برای بازسازی کشور همکاری همگان را ضرور میداند اعلام «عفو عمومی را برای نیل به «انتقال قدرت از طریق مذاکره و مصالحه» اجتناب ناپذیر میداند اما اگر امکان انتقال قدرت به مردم از طریق مصالحه نباشد از طریق محاکمه این امر محقق خواهد شد.

۷- «اندیشه راه سوم راه نجات ایران معتقد است برای جبران از رشد ماندگی دهه های اخیر که از دوره های راه اول و دوم به ملت بزرگ ایران تحمیل شده نیاز مبرم به رشد شتابان و همه جانبه دارد. از این جهت تخصیص بودجه عمده به آموزش و پرورش و بهداشت را ضرور دانسته و در صدر کار خود قرار می دهد و در این راستا با اعلان رایگان بودن تحصیلات از ابتدایی تا پایان دکترا سعی در تحقق عدالت آموزشی خواهد کرد ضمن اینکه در چارچوب پیشنهادی ما باید بهداشت و درمان همه افراد به صورت رایگان تأمین شود.

۸. اندیشه راه سوم راه نجات «ایران توجه ویژه به بانوان و رفع تبعیض های جنسیتی و تلاش برای جبران اثرات ناشی از نابرابری های گذشته تأمین اجتماعی کامل و حمایت از گروه هایی مانند کارگران، معلمان، هنرمندان، کشاورزان، دانشجویان و ... را وجهه همت خود قرار میدهد.

۹ در راستای بازسازی اخلاقی و فرهنگی جامعه مبارزهای بی امان نسبت به عادات نکوهیده چاپلوسی و دیکتاتور پروری که به ویژه طی چند دهه اخیر در تمامی سطوح به صورت ناهنجاریها و فسادهای گوناگون نمایان و نهادینه شده از اولیتهای است. البته بدین معنی که راه دوم از آغاز با خدعه و دروغ یعنی در تضاد آشکار با خدای خود و اهورای ایران زمین سنگ اول را کژ نهاد و با این روش نکوهیده، خدعه و دروغ را سکه رایج ساخت و نیز سرچشمه ارزشها و اخلاق را خشکانده و ویران ساخت و کشور را با فروپاشی اخلاقی مواجه نمود. لذا در این راستا بازگشت به هویت ملی و «فرهنگی ایران زمین و تلاشی مستمر برای رفع علتها بیش از پیش بایسته است.

۱۰. اندیشه راه سوم راه نجات ایران با تروریسم و افراط گرایی، نفرت زایی در هر شکل آن مخالف و با آن قاطعانه مبارزه میکند

۱۱. «اندیشه راه سوم -راه نجات ایران مبتنی بر حقوق طبیعت و تفکیک ناپذیری آن از مجموعه حقوق انسان، بازسازی محیط زیست را در ابعاد گسترده آن وجهه همت خود قرار میدهد و از جمله تلاش میکند تأمین انرژی کشور را به سوی استفاده بیشتر از انرژیهای تجدید شونده مانند خورشید، باد، زمین گرمایی و... هدایت کرده و استفاده از سوختهای فسیلی را کاهش دهد.

۱۲. در راستای عدم تمرکز و توزیع عادلانه جغرافیایی و انسانی قدرت و ثروت در چهارچوب تمامیت ارضی و سرزمینی کشور نه تنها مدیریتهای محلی و منطقه ای را میپذیریم بلکه تعلقات فرهنگی قومی متکثر را موجب تنوع تلون و توسعه فرهنگی -هنری کشور دانسته و همه اقوام ایرانی که هزاران سال ستون پایه های همگرایی «پایدار و وحدت ملی ایران را در اوج توفان ها نیز حفظ و حراست کرده اند و زین پس نیز با حفظ و تکوین زبان و گویشهای محلی خود در کنار زبان پارسی و فرهنگ فاخر ایران زمین رشد خواهند کرد.

۱۳. «اندیشه راه سوم راه نجات ایران با عنایت به محدودیتهای اقلیمی و کمبود شدید آب ضمن احیای محیط زیست صنعتی شدن کشور را یک ضرورت قطعی می داند به خصوص با توجه به پتانسیل ها و ظرفیت های بزرگ انسانی و زیرساختی برای صنعتی شدن که این امر به نوبه خود به توسعه کشاورزی نیز کمک خواهد کرد.

۱۴ با توجه به اینکه اسلام دین غالب منطقه و بخش بزرگی از آسیا و آفریقا می باشد و برداشت بنیادگرایانه از

ان موجد جریان های داعشی می باشد که نه تنها دولت های منطقه بلکه دیگر ملل و جهان را مورد تهدید قرار داده بنابراین همگان را به همکاری جهت مقابله با افراط گرایی و بنیادگرایی دعوت می نماید.

۱۵. « اندیشه راه سوم راه نجات «ایران» پدیده جهانی شدن را نه تنها یک واقعیت ناشی از رشد همه جانبه جوامع بشری می داند بلکه خود را به عنوان یک عضو جامعه جهانی محق و موظف در گسترش و رشد همه جانبه در تمام عرصه های زندگی انسانی میداند و با احترام به روح و فرهنگ مهرپرور ایرانی منعکس در بنی آدم اعضای یک پیکرند که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار
توکز محنت دیگران بی غمی نشاید که نامت نهند آدمی
را بنیادی ترین زمینه همکاری مشترک جهانی در تمام عرصه های زندگی انسانی میداند و با احترام به روح روشن این فرهنگ آمادگی خود را با پیام صلح و دوستی برای همکاری با جهان اعلام میکند .

جنبش راه سوم-راه نجات ایران که علاوه بر پیش بینی های متکی به تحلیل علمی از شرایط ایران در سال ها قبل مشخصا در بیانیه شماره ۳۳ مورخ ۱۴۰۱/۱۶/۱۴ انقلاب ملی سکولار-دموکراتیک ملت ایران را پیش بینی کرده بود به انقلاب ملی زن ، زندگی، آزادی ارج می گذارد و بر ارزش های ان پای می فشارد

۱۶ - با توجه به همدلی و پیوند عملی سپاه پاسداران با مردم که ناشی از اعتقاد ان ها به مشروع بودن و بر حق بودن انقلاب ملی زن ،زندگی،آزادی و عدم مشروعیت حکومت و رهبر منعزل می باشد واحراز این همدلی و پیوند عملی با مردم که علاوه بر اظهارات ۵۸ تن از فرماندهان و سرداران سپاه در دیدار با رهبر منعزل در تاریخ ۱۳ دیماه ۱۴۰۱ از طرق دیگر از جمله مقایسه اماری شهدای قیام های گذشته با شهدای ۷ ماهه انقلاب ملی زن،زندگی،آزادی قابل راستی آزمایی بوده و اکنون که سپاهیان ما معتقد به حقانیت قیام ملی و عدم مشروعیت نظام و خامنه ای میباشدند تعلل ان ها از پیوستن رسمی به ملت غیر قابل پذیرش می باشد و همانگونه که در جریان قیام های معروف به بهار عربی نیروهای مسلح به مردم خود پیوستند مانند تونس و مصر و لیبی و یمن وغیره همچنین ارتش شاهنشاهی ایران که در انقلاب ۵۷ به ملت ایران پیوست، انتظار می رود نیروهای مسلح ملی ایران رسما به صفوف ملت بپیوندند که در اینصورت علاوه بر ایفای مسولیت اخلاقی ،ملی، انسانی و قانونی و شرعی خود ،انتخابی خردمندانه نیز کرده اند زیرا می دانند که سرنگونی حکومت قطعی می باشد از طرفی این پیوند رسمی می تواند به سرعت موازنه قوا را به نفع مردم تغییر دهد و رژیم را مجبور به تسلیم نماید و ضمن جلوگیری از اتلاف وقت و تلفات انسانی و مادی بیشتر، نیروهای مسلح ملی را هم از بلاتکلیفی و حالت برزخی کنونی نجات دهد.

۱۷- اکنون که نشانه های پیروزی انقلاب ملی زن،زندگی،آزادی از هر زمان دیگر نمایان تر شده است و از یک سو وضعیت انقلابی-جنگی (انقلاب توسط شما ملت بزرگ در حال انجام است و جنگی ترکیبی، نابرابر و تمام عیار را رهبر منعزل بشما تحمیل نموده)ایجاب می کند که برای هدایت جبهه مردمی ان شخصیت های سیاسی معتبر و دارای قابلیت کافی ایفای مسولیت کنند و از سوی دیگر تلوزیون های پر مخاطبی که توسط دولت های بیگانه ایجاد و تامین مالی می شوند در همسویی با تحرکات دیپلماتیک دولت های متبوعشان ، با تهاجم بلکه شبیخون رسانه ای تلاش می کنند افرادی را که نه سابقه درخشانی در مبارزه دارند و نه سررشته ای در سیاست و نه قابلیت و ظرفیت و شناختی از واقعیت های ایران و روابط بین الملل دارند را مطرح و تبلیغ نمایند و تا همینجای کارهم برای کسب امتیاز از رهبر منعزل، ان ها را مورد استفاده ابزاری قرار داده اند ، شایبه رهبرتراشی توسط بیگانگان را متبادر به ذهن می کند که صرفنظر از دخالت بیگانگان در مقدرات کشورمان در دوره قاجار ،در یکصد سال اخیر رضا شاه را توسط قشون قزاق روس و البته با حمایت انگلستان و از طریق کودتای نظامی سوم اسفند ۱۲۹۹ به قدرت رساندند و در ۱۳۲۰ او را برکنار و از کشور اخراج و فرزندش محمد رضا را به جای او نشانند و محمدرضا شاه را هم بنا به اقرار خودش در صفحه ۲۷۲ کتاب پاسخ به تاریخ، امریکا برکنار نمود و نقش کنفرانس گوادلوپ با شرکت سران امریکا ،انگلستان،فرانسه و المان در به قدرت

رساندن خمینی بر کسی پوشیده نیست و تجربه نزدیک عراق و افغانستان که بیگانگان عوامل خود را بر سرنوشت ما و ان‌ها مسلط و تحمیل کردند زنگ خطر را به صدا درآورده است و در نتیجه توجه ملت بزرگ را به این توطیه خطرناک که به شرحی که گذشت مسبوق به سابقه مکرر و طولانی است جلب می‌نماییم.

«اندیشه راه سوم راه نجات ایران دست همه مبارزان صدیقی که به تمامیت ارضی و سرزمینی کشور، استقلال، مردم سالاری و اعلامیه جهانی حقوق بشر و وحدت ملی، آزادی و عدالت معتقد و در این راستا مبارزه میکنند را می‌فشارد و اشخاص و جریانهای سیاسی که مطالبه سهم در حکومت آینده دارند را به «صندوق آرا در نظام سکولار دموکراتیک آن ارجاع میدهد بدین ترتیب بدیهی است که این منشور که می‌تواند به عنوان نقشه راه برای سرنگون کردن حکومت نا مشروع جمهوری اسلامی و جایگزینی آن با یک رژیم عرفی، مردمسالار و مبتنی بر اعلامیه جهانی حقوق بشر و جلوگیری از بازگشت استبداد و دیکتاتوری مورد استفاده و عمل قرار گیرد یک ابتکار ابتدایی میباشد و خالی از کاستی نخواهد بود و از انتقادهای سازنده و نظرات تکمیلی همه صاحب نظران و ملت بزرگ ایران در راستای بهتر و کامل تر شدن آن استقبال میکند در پایان، «قاسم شعله سعدی»، فرزند کوچک شما ملت بزرگ که روزهای بسیار سخت و طاقت فرسا و پر مخاطره ای را میگذرانید با ارائه اندیشه راه سوم راه نجات ایران هیچ ادعایی به جز سری که به پیشگاه شما ملت بزرگ و در راه آزادی و استقلال ایران عزیزمان تقدیم میکند ندارد.

متن کیفرخواست و بیانیه شماره ۳۳ تحت عنوان نامه سرگشاده دیگری به مهندس حجت الاسلام علی خامنه ای پیوست این منشور می باشد.

سر فراز ملت ایران
پاینده ایران
دهم آبان ۱۳۹۹